

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی^۱

سال دوازدهم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۸ - شماره پیاپی ۴۴

معرفی جلال الدین احمد کاسانی و رسائل فارسی و ویژگیهای سبکی او

(ص ۱۷۱ - ۱۸۸)

منظر سلطانی^۲ (نویسنده مسئول)، محمدابراهیم مالمیر^۳، فاطمه شریفی^۴

تاریخ دریافت مقاله: تابستان ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: تابستان ۱۳۹۷

چکیده

بخش عظیمی از میراث گرانسنگ اسلام و ایران در زوایای کتابخانه های شخصی و عمومی و مراکز نگهداری نسخ خطی پنهانند که در واقع، حاصل سالها تحقیق و تدقیق عمیق دانشمندان بزرگ جهان اسلام و به ویژه جغرافیای قدسی و اقلیم معنوی ایران اسلامی میباشند و بدیهی است که واکاوی، بازیابی، معرفی و احیای علمی و فنی آنها از ضروریات مسلم و از وظایف مهم مجامع علمی است. بر این باور، مقاله حاضر به معرفی جلال الدین احمد کاسانی، معروف به «خواجگی» و ملقب به «مخدوم اعظم» و رسائل فارسی او پرداخته است که از چهره های طریقه نقشبندیه از سلسله های تصوف اهل سنت است و کندوکاو در زندگی و آثار او بسیاری از زوایای ناگفته این طریقه دیرینه را آشکار میسازد. با این پژوهش، متوجه میشویم که وی یکی از اقطاب طریقه نقشبندیه احراریه و در حقیقت، برجسته ترین شاگرد عبیدالله احرار بوده و بالغ بر ۳۰ رساله متنوع در تصوف نگاشته است که همه آنها از نثری ویژه با سبکی خاص برخوردارند و دارای ویژگیهای زبانی، بلاغی و زیباییشناسانه قابل توجهی میباشند که نثر و نظم او را از دیگران متمایز کرده است.

کلمات کلیدی: خواجگی کاسانی، نقشبندیه، رساله های فارسی، ویژگیهای زبانی، ادبی، فکری.

۱ - تمام مجلات علمی پژوهشی کشور از ابتدای سال ۹۸ به دستور وزارت علوم به مجلات علمی تغییر نام داده اند

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی (soltani03@yahoo.com)

۳- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی (dr.maalmir@gmail.com)

۴- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی (f.sharifi350@yahoo.com)

۱- مقدمه

خواجگی کاسانی از جمله اقطاب طریقه صوفیانه احراریه نقشبندیه است که زندگی و آثار وی مغفول و مهجور مانده و تحقیقات اندکی در باب احوال، آثار، افکار، سبک ادبی و زبانی او صورت گرفته است؛ لذا ضرورت دارد که در زمینه معرفی شخصیت علمی، عرفانی، ادبی و آثار او تحقیقاتی عمیقی صورت گیرد تا جنبه‌های مختلف معرفتی یکی از اقطاب سلسله نقشبندیه و برجسته‌ترین شاگرد عبیدالله احرار برای اهل علم و معرفت آشکار گردد. بر این باور جستار حاضر در پی پاسخ به این سؤال که احمد خواجگی کاسانی کیست و چه جایگاه و آثاری در طریقه نقشبندیه دارد و سبک عمومی و فردی آن چگونه است به زوایای شخصیت فردی و علمی و نیز ویژگیهای سبکی او می‌پردازد.

۲- روش و پیشینه تحقیق

پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است که با استناد به منابع کتابخانه‌ای و مجموعه رسایل خطی صورت گرفته است. در زمینه معرفی خواجگی کاسانی و احوال و آثار او تحقیقات اندکی انجام پذیرفته! به گونه‌ای که جز دو پژوهش مختصر، کار قابل ملاحظه‌ای ارائه نشده است! مگر دو کار که یکی از آنها به مقایسه ذکر در باور کاسانی و امام خمینی پرداخته و توسط مسعود صادقی و حسنا سادات بنی‌طبا در پژوهشنامه عرفان، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۳) به چاپ رسیده است.

مورد دیگر، معرفی ابعادی از رساله «گل‌نوروز» است که لیلا پژوهنده در فصلنامه مقالات و بررسی‌ها، (دوره ۶۳، تابستان ۱۳۷۷، مقاله ۱۱) چاپ کرده و به بررسی مضامین عرفانی و ادبی رساله مذکور پرداخته است. اما در این پژوهش، ضمن معرفی کامل احمد کاسانی و طریقه نقشبندیه و موضوعهای مرتبط با این شخصیت و طریقه او، ضمن معرفی رسائل فارسی وی، جنبه‌های مختلف ادبی، دستوری و فکری ایشان مورد بررسی قرار میگیرد.

۳- احمد کاسانی کیست؟

سید احمد، فرزند جلال الدین، فرزند جمال الدین، فرزند برهان الدین خواجه، معروف به «خواجگی احمد» و ملقب به «مخدوم اعظم» از صوفیان بزرگ طریقه احراریه نقشبندیه است که در کاسان از توابع فرغانه به دنیا آمده است. (۸۶۸ تا ۹۴۹ ه. ق.)

کاسان یا قاسان در حقیقت، نام شهر و نیز ناحیه‌ای آبادان و پر مزرعه با عظمت و جلیل‌القدر و دارای قریه‌های فروان (صورة الارض ابن حوقل، ج ۲: ص ۵۱۴؛ نزهة المشتاق، شریف الادریسی، ج ۱: ص ۵۰۸؛ ج ۲: ص ۷۰۸؛ البلدان، یعقوبی، ص ۱۲۵؛ نخبه الدهر، انصاری

دمشقی، ص ۳۴۴) از شهرهای واغزیه از توابع فرغانه سمرقند در ماوراء النهر سیحون و شاش نزدیک اخسیکت است. (احسن التقاسیم، مقدسی، ج ۲: ص ۳۸۳؛ مسالک الممالک، اصطخری، ص ۳۳۴، صص ۳۴۶-۳۴۷؛ مراصد الاطلاع، بغدادی، ج ۳: ص ۱۱۴۳) که توسط صالح - برادر قتیبه - به همراهی نصر بن سیار فتح گردیده است و بر اثر حمله و غلبه قوم ترک ویران گردید. (فتوح البلدان، بلاذری، ص ۴۰۵؛ معجم البلدان، حموی، ج ۴: ص ۲۹۵، ص ۴۳۰) محل کنونی کاسان، در جنوب ایالت نمگان در شرق ازبکستان است. (احمد کاسانی، جلالی مقدم، ج ۷: ص ۷۹)

روزگار جوانی خواجهی احمد در کاسان به کشاورزی و فراگیری علوم و شاگردی نزد میر سید عالم، سپری می‌شد که در پی تحول روحی راهی چاچ (تاشکند امروزی) شد و به حلقهٔ مریدان محمد قاضی پیوست. وی با توجه به مقام روحانی کاسانی، او را «شاهباز بلندپرواز» لقب داد و تربیت او را بر خود واجب و لازم شمرد.

پس از مرگ مولانا محمد قاضی، خواجهی احمد بر مسند او نشست و به تربیت مریدان همت گماشت. کاسانی بعد از مدتی برای گسترش این طریقت از تاشکند به کاسان رفت. ولی در آنجا اغتشاشات اجتماعی، شایعات و تعرض‌ها و اهانت‌های پیاپی، عرصه را بر او تنگ کرد و ناگزیر به همراه خانواده به سمرقند سفر کرد و در روستای دهبید، در خارج شهر سمرقند، مقیم شد. پیش از استقرار در سمرقند، به سراسر بلاد اسلامی از جمله خراسان، هرات، مصر، مکه، هند و کابل سفر کرد. او در هرات شعر و موسیقی را نزد جامی آموخت. (International Dictionary of Historic: ۱۶۵) پس از این سفرها تا پایان عمر در دهبید زیست و همانجا نیز وفات یافت. مقبرهٔ وی نیز در آنجاست و پس از او فرزندان او در آن روستا ماندگار شدند و از اینروست که آنها را دهبیدی می‌خوانند.

۳- آثار و رسائل خواجهی احمد کاسانی

خواجهی احمد کاسانی بیش از سی رساله در حوزهٔ تصوف و عرفان به زبان فارسی نگاشته است که مجموعه‌هایی از آن در کتابخانه‌های فردوسی و رودکی در شهر دوشنبه تاجیکستان، ابوریحان بیرونی در تاشکند، پنته، گنج بخش و موزه ملی در پاکستان و کتابخانهٔ مجلس و فرهاد معتمد در تهران موجود است. (دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷: ص ۸۰) از آثار او می‌توان به رسائل زیر اشاره کرد:

- ۱) آداب السالکین، ۲) آداب الصدیقین، ۳) زبده السالکین، ۴) مرشد السالکین، ۵) نصیحه السالکین، ۶) نفحات السالکین، ۷) سلسله الصدیقین، ۸) معراج العاشقین، ۹) تنبیه

السلاطین، ۱۰) تنبیه العلماء، ۱۱) مرآت الصفا، ۱۲) بیان سلسله خواجهگان، ۱۳) اسرار النکاح، ۱۴) بابریه، ۱۵) بطیخیه، ۱۶) چهار کلمه، ۱۷) ذکر قلبی و تلقین، ۱۸- بکائیه (رساله بابا آدم) (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۷: ص ۱۵۵)؛ ۱۹- بیان احوال علماء و امراء؛ ۲۰- نقشبند؛ ۲۱- تعریف عشق؛ ۲۲- تعریف کلمه صوفی؛ ۲۳- رساله ذکر (ذکر قلبی و تلقین) (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۷: ص ۳۹۱، صص ۳۷۳-۳۷۲)؛ ۲۴- رساله وجودیه (همان: ۴۳۳؛ همان، ج ۸: ص ۱۰۷۱)؛ ۲۵- رساله در فقر حقیقی (فهرست نسخه‌های خطی مجلس، ج ۲۱: ص ۳۰۹)؛ ۲۶- سماعیه (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۷: ص ۴۹۷؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷: ص ۸۰)؛ ۲۷- شرح رباعیات عبیدالله خان شیبانی (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۷: صص ۵۶۰-۵۵۹)؛ ۲۸- شرح «(الفقر) سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ» (کشف الخفاء، عجلونی، ج ۲: ص ۸۷)؛ ۲۹- شیبیه (دانشنامه ادب فارسی، انوشه، ص ۶۳)؛ ۳۰- فنائیه (فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، ج ۷: ص ۷۱۴)؛ ۳۱- گل و نوروژ (همان: ۷۸۶)؛ ۳۲- گنج‌نامه (همان: ۷۹۱)؛ ۳۳- واقعه حقانیه (همان، ج ۸: ص ۱۰۶۵)؛ ۳۴- شرح «الْوَلَدُ سِرُّ أَبِيهِ»؛ (همان: ۱۰۸۵-۱۰۸۴) و...

۶- مقایسه نثر آثار کاسانی با هم‌عصرانش

نثر کاسانی در قیاس با نثر عرفانی معاصرانش امتیازاتی دارد که از آن جمله می‌توان به اشارات عرفانی و تأویلات قرآنی اشاره کرد. اشارات و تأویلات کاسانی حول محور آیات قرآن و احادیث نبوی می‌گردد. بعضی از تأویلات پیش از کاسانی در متون نثر عرفانی هم دیده می‌شود و بعضی هم در منظومه فکری عرفانی کاسانی جای می‌گیرد. با این حال، عرفان و نثر عرفانی از قرن هشتم به بعد رو به افول مینهد و آثار نظم و نثر صوفیان این دوره، غالباً تقلیدی از آثار صوفیان قرن چهارم و پنجم هجری، نظیر حلاج و غزالی و عین القضات و سنایی و عطار و مولوی و سعدی است که بعضاً با موفقیت همراه بوده است. امتیاز رسائل کاسانی بر رسائل هم‌عصران خود بر موجز، رسا و روان بودن معانی و مفاهیم آن است، چرا که در بعضی آثار صوفیان قرن هشتم و نهم، نوعی از پیچیدگی و دشواری دیده می‌شود که مخاطب را از فهم و درک متن عاجز می‌سازد و این نه به واسطه معانی بالای متن، که به خاطر فضل فروشیهای نویسندگان آن است.

از عیوب نثر رسائل کاسانی، اشاره بیش از حد به اشعار و آیات و احادیث است که از این میان استعمال بیش از حد اشعار فارسی در قالب غزل و قصیده و مثنوی از شعرای متقدم، رشته کلام را قطع میکند و نوعی از ملال و دلزدگی را برای مخاطب و خواننده به وجود

میآورد! در بعضی از رساله‌ها این استعمال تا آن جا به افراط می‌گراید که متن و موضوع متن را تحت الشعاع قرار میدهد. در حالی که در متون نثر هم‌عصران وی، نظیر جامی این شیوه، منحصر به شکل استشهاد، آن هم در حد دو سه بیت در یک صفحه، رواج داشته است. البته در همه رسائل عرفانی، وی چنین شیوه‌ای را دنبال نکرده است؛ ولی در نگارش بیشتر رسائل، به این شیوه گراییده است.

۷- ویژگیهای نثر فنی در آثار کاسانی

الف) وجود واژگان و ترکیبات عربی: رسائل کاسانی، علاوه بر اینکه غالباً یک تحمیدیه به زبان عربی دارند؛ در آنها لغات و ترکیبات عربی به وفور دیده می‌شود که این موضوع از جمله ویژگیهای کتب نثر عرفانی است؛ برای مثال در صفحه اول مقدمه رساله نکاح این لغات: «هلکة - اصلاح (۲ بار) - خطا - ذلت - لفظاً - معناً - مبالغه - بضاعت - مکارم - متوقع - واقع - اکثر - شفقت» و ترکیبهای «دامن تقوی» (که جزء اول فارسی و جزء دوم عربی است.) و «طایفه علیّه» (۲ بار) دیده میشود که در قیاس با کل کلمات این یک صفحه (۱۲۸ لغت)، یک ششم را شامل میشوند. یا مثلاً رساله شرح «سواد الوحه فی الدارین» پر است از کلماتی چون: حضور مع الله؛ فرقت محبوب؛ اضافت؛ جهت ظلّیت؛ صورت ظلمت در ظلّ؛ نهایت منتهیان طرق؛ منطوق؛ معبر؛ مرئی نمیشود.

ب) آیات و احادیث: در رسائل کاشانی، آیات به صورت کامل و یا به صورت ناقص آمده‌اند و این به خاطر آن است که نویسندگان، آن بخش از آیه و حدیث را که متناسب با موضوع رساله بوده، گزینش کرده و برای فهم بهتر مخاطب از موضوع رساله، از ذکر بقیه آیه و حدیث صرف نظر کرده است. البته آوردن بخشی از حدیث می‌تواند علت دیگری هم داشته باشد و آن این است که کاسانی به منابع روایی دیگری دسترسی داشته و نویسندگان صوفیه متقدم بر او و متأخر از او به منابع روایی دیگری احاطه و اشراف داشته‌اند و این جدای از احادیث بی سند و مأخذی است که کاسانی نقل کرده و به رسول خدا (ص) نسبت داده است!

از نمونه درج آیات قرآن به صورت کامل می‌توان به این عبارات اشاره کرد: «چرا که خیر الاعمال که صلاست، در حق بعضی فلاح است؛ چنان که در کلام مجید واقع است ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ * ﴿الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ (المؤمنون، ۲-۱) و در حق بعضی سبب ویل، چنان که ﴿فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ﴾ * ﴿الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ﴾ (الماعون، ۵-۴) (رسائل کاسانی: گ ۱۸)

از نمونه درج بخشی از آیات قرآن کریم، می‌توان به این عبارات اشاره کرد: «تحریض نمود به نکاح به این آیت که ﴿فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ ...﴾ (النساء/۳).» (رسائل کاسانی: گ ۲) «و مستحق وعیدِ ﴿... وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ ...﴾ ساخته باشد.» (همان)

در درج احادیث، کاسانی بیشتر احادیثی را که در متون نثر صوفیان پیش از خود بوده در رسائلش انعکاس داده است و بعضاً نیز سخنانی را حدیث خوانده که هیچ منبع و مأخذی در متون روایی فریقین ندارند و یا متن حدیث را غیر از آنچه در روایات آمده نقل می‌کند و نسبت می‌دهد. نمونه درج حدیثی کامل اما بدون هیچ سند و مأخذ: «بدان ای درویش صادق! همیشه همت شریف آن حضرت بر وفق حدیث «ادْخَالُ السُّرُورِ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ» آن بوده که سروری در دل امتان خود آرند.» (همان: ۳)

در درج حدیث و آیه و تصرف در متن حدیث و انتساب بر خلاف متون روایی، گفته است: «حدیث نبوی ناطق است بر آن که: «النَّاسُ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ كَالْهَمَجِّ» ﴿... أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...﴾ (الاعراف/۱۷۹).» (همان: ۴) درحالی که این حدیث به دو شکل به علی (ع) و امام صادق (ع) نسبت داده شده است:

- امام علی (ع): «إِنَّمَا النَّاسُ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ مَا سِوَاهُمَا هَمَجٌ» (عیون الحکم و المواعظ، لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۷۹؛ غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، ص ۲۷۶)
- امام صادق (ع): «النَّاسُ أَثْنَانِ عَالِمٌ وَ مُتَعَلِّمٌ وَ سَائِرُ النَّاسِ هَمَجٌ وَ الْهَمَجُ فِي النَّارِ» (الخصال، شیخ صدوق، ص ۳۹)

همچنین این حدیث با اختلاف اندک از قول ابودرداء (سنن الدارمی، دارمی، ج ۱: ص ۷۹) و خالد بن معدان (همان: ۹۴/۱) و ابن عباس (کشف الخفاء، عجلونی، ج ۲: ص ۳۲۶) نیز روایت شده است!

۷-۱- ویژگیهای سبکی رسائل کاسانی

رسائل عرفانی کاسانی، دارای جنبه‌های تعلیمی و اندرزگونه با استشهاد از آیات و روایات و احادیث و اشعار بسیار است. به کارگیری این شیوه بیان به همراه زبان تمثیلی و تشبیهات مکرر، بر لطف و دلنشینی رسائل وی افزوده است. هرچند با وجود سادگی نثر و کاربرد معمول و متعارف واژگان و زبان، استعمال جملات معترضه طولانی و شمار قابل توجه آن، گاهی نثر را مشکل و پیچیده می‌نماید. کاسانی در انتخاب موضوعات و پرداختن به مفاهیم و همچنین استفاده از جملات و عبارات تکراری در رسائل خود، بی‌پروا به نظر می‌آید.

۷-۱-۱- صور بلاغی در رسائل کاسانی

الف) ایجاز: ایجاز، در لغت به معنای کوتاه‌گویی، و در اصطلاح، چنان است که «لفظ اندک بود و معنی آن بسیار» (مفتاح العلوم، سکاکی، ج ۱: ص ۱۲۰؛ نهاییه ایجاز، رازی، ج ۱: ص ۳۴۷؛ بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، کاشفی، ص ۷۷) و به دو نوع ایجاز مغل (مردود) یا (تقصیر) و ایجاز مقبول در انواع ایجاز قصر و ایجاز حذف تقسیم می‌شود. (کتاب الصناعتین، عسکری، ج ۱: ص ۱۹۵؛ الطراز، علوی یمنی، ج ۱: ص ۵۴۶؛ الايضاح، خطیب قزوینی، ج ۱: ص ۱۷۴؛ فنون بلاغت، همایی، ص ۱۳۱؛ التبیان فی البیان، طیبی، ص ۱۱۴) از نمونه ایجاز در رسائل کاسانی می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- «آنچه در هژده هزار عالم مشاهده نشد، در دل آدم تنها میشود.» (رسائل کاسانی: گ ۲)

- «حضرت رسول فرمود: یکی به یکی، یعنی برابر شدیم.» (همان: ۶)

- «مراد از کثرت نکاح، کثرت فرزندان صالح باشد.» (همان: ۹)

ب) اطناب: اطناب، در لغت به معنای دراز‌گویی، و در اصطلاح، آن است که الفاظ بیش از معانی باشد. (مفتاح العلوم، سکاکی، ۱۹۸۳: ۱۲۰/۱) و به دو دسته اطناب ممل (مردود) و اطناب مطبوع (مقبول) تقسیم میشود. (التبیان فی البیان، طیبی، ۱۹۸۶: ۱/ص ۱۱۴؛ الصناعتین، عسکری، ۱۳۵۳: ۲۸/۱) و دارای وجوه متعددی است که برای آن تا ۲۰ وجه برشمرده‌اند. (الایضاح، خطیب قزوینی، صص ۲۲۱-۲۲۲؛ شرح المختصر المعانی، تفتازانی، صص ۲۹۰-۲۸۰) غرض از وجوه متعدد اطناب مقبول بیشتر تأکید، تکمیل و تبیین است؛ تأکید خود شامل «تکریر» و «تذیل» و «ایغال»؛ تکمیل شامل «تتمیم» و «احتراس»؛ و تبیین شامل دیگر وجوه اطناب مانند ایضاح پس از ابهام، ذکر خاص پس از عام و... میباشد. (فنون بلاغت، همایی، ص ۱۳۳)

از نمونه‌های اطناب در رسائل کاسانی، می‌توان به این مورد اشاره کرد، که مثلاً وی در رساله عرفانی به شرح مسائل طبی و وظائف الاعضاء انسان پرداخته است که جای آن در کتب پزشکی است نه عرفانی! و این امر در قدیم برای عرفا و فلاسفه و حکما به نوعی اظهار فضل به شمار میرفته است:

«بدان درویش صادق! که شهوت قوتی است از قوای انسانی که آن را قوت واقع می‌گویند و آن چنان است که هرگاه آدمی غذایی خورد، قوت هاضمه می‌گویند. قوتی است از قوای انسانی که آن را هضم میکند و آن چند قسم میشود: یک قسم از آن خون میشود و به تمام عروق و اعصاب آدمی میرود و بدل مایتحلل آدمی میگردد و قوت ظاهری که در آدمی پیدا

میگردد از اینجاست و مقصود کلی از خوردن طعام این است. مابقی فضلات میشود و بعضی از این فضلات منی است که تخم انسان است و آن قوت واقعه که شهوات است.» (رسائل کاسانی: گ ۹) میتوان این متن را از مقوله اطناب ممل به شمار آورد.

ج) مساوات: مساوات، یعنی سخنی که در آن لفظ و معنی برابر است. (المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی، ص ۳۷۸؛ مفتاح العلوم، سکاکی، ص ۱۲۰) از نمونه‌های مساوات در رسائل کاسانی، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- «زمین، حوض دل است؛ آب خورد و تربیت یابد.» (رسائل کاسانی: گ ۲۴۵)

- «صوفی آن باشد که نظر او با قدم او برابر باشد.» (همان: ۲۴۹)

د) تشبیه: تشبیه بیان همانندی و مشارکت میان دو چیز یا دو امر در وصفی از اوصاف یا وجه و جهتی از وجوه و جهات با الفاظ مخصوص است. (مفتاح العلوم، سکاکی، ص ۱۴۱؛ اسرار البلاغة، جرجانی، ص ۲۴۶؛ تلخیص المفتاح، قزوینی، ص ۲۲۴؛ فنون بلاغت، همایی، ۱۳۷۴: ۲۲۷؛ هنجار گفتار، تقوی، ۱۳۶۳: ۲۲۷؛ شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۳) تشبیه به اعتبار ارکان آن مراتب و انواعی دارد که به بعضی از آن موارد می‌پردازیم:

۱) تشبیه مفصل؛ آن است که وجه شبه یا ملزوم آن در کلام ذکر شود:

- «طَبْعُ فَرِيدٍ كَالنَّسِيمِ رِقَّةً، وَ يَدُهُ كَالْبَحْرِ جُوداً، وَ كَلَامُهُ كَالدَّرِّ حُسْنًا، وَ أَلْفَاظُهُ كَالْعَسَلِ حَلَاوَةً»؛ وجه شبه مناسب بودن با طبع است که حلاوت ملزوم آن میباشد. (جواهر البلاغة، هاشمی، ص ۲۰۸)

- «مثل علماء زمان ما که غیر عامل‌اند به علم، مثل فتیله چراغ است که خود در سوختن است و عالم از نور او منورست.» (رسائل کاسانی: گ ۲۹)؛ علماء: مشبه؛ مثل: ادات تشبیه؛ فتیله چراغ: مشبه به و منور کردن: وجه شبه.

- «تو همچون مرغ خانگی به آب و دانه دنیا قانع شده‌ای؟» (همان: ۸۰)؛ تو: مشبه؛ مرغ خانگی: مشبه به؛ همچون: ادات تشبیه، قانع شدن: وجه شبه.

۲) تشبیه مجمل؛ آن است که وجه شبه یا ملزوم آن در کلام ذکر نشود. مثل:

- «النَّحْوُ فِي الْكَلَامِ كَالْمِلْحِ فِي الطَّعَامِ»؛ وجه شبه اصلاح و تعادل است، که ذکر نشده است. (جواهر البلاغة، هاشمی، ص ۲۰۸)

- «در صحبت پیر، بر وجهی نشینی که گویا مرغ وحشی بر سر تو نشسته است! که اگر یک موی بر تن تو حرکت میکند، آن مرغ میرمد.» (رسائل کاسانی: گ ۵۰)؛ بی حرکت نشستن، وجه شبه است که ذکر نشده است.

۳) تشبیه مرسل؛ تشبیهی است که ادات در آن ذکر شود. (جواهر البلاغه، هاشمی، ص ۲۱۴)
- «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بُيُوتًا» (العنكبوت/۴۱)؛
«(فرزندان آدم) همچو مرغ خانگی خوار و ذلیل در زندان دنیا ماندند» (رسائل کاسانی: گ
۸)؛ (فرزندان آدم): مشبه؛ مرغ خانگی: مشبه به؛ همچو: ادات تشبیه.

۴) تشبیه موکد؛ تشبیهی است که ادات در آن ذکر نشود. مثل:
- «يَسْجَعُ سَجْعَ الْقَمَرِ» (جواهر البلاغه، هاشمی، ص ۲۱۴؛ کلیات مسائل ادبی، طهماسبی،
ص ۳۴)

- دل تو نیز ماهی است که از دریای حقیقت عشق، دور افتاده است به صحرای دنیا. (رسائل
کاسانی: گ ۸۱)؛ دل: مشبه؛ ماهی: مشبه به و دورافتادن از دریای حقیقت عشق: وجه
شبه.

- «نتیجه عشق و محبت آن زنجیر است که میکشد مجنونان محب را جانب محبوب» (همان: ۱۴)
۱۴)؛ نتیجه عشق و محبت: مشبه؛ زنجیر: مشبه به.

۵) تشبیه بلیغ؛ تشبیهی است که در آن وجه شبه و ادات تشبیه ذکر نشود. (جواهر البلاغه،
هاشمی، ص ۲۱۵) به عبارت دیگر، تشبیه موکد و مجمل را تشبیه بلیغ خوانند؛ مانند:
طبیعی پری چهره در سرو بود که در باغ دل قامتش سرو بود
در این بیت دل به باغ و قامت به سرو تشبیه شده است و وجه شبه و ادات تشبیه در آن
ذکر نشده است. (طراز سخن در معانی و بیان، صادقان. ص ۱۷۲)

- «عشق آن شاهباز حقیقی است که هر لحظه و هر زمان از آشیان دل سالک پرواز میکند.»
(رسائل کاسانی: گ ۱۹۵)؛ دل سالک به لانه و آشیان تشبیه شده است.

- «از این دو شاهجوی فیض که سمع و بصر است بر حوض دل فرو ریزد.» (همان: ۱۹۸)؛
دل را به حوض تشبیه کرده که تشبیه غریب و کم استعمالی است.

- «گل مشاهدات ازو شکفتن گیرد و میوه های معاینات در وی پیدا شود.» (همان، ۱۹۶)؛
کاسانی مشاهده را به گل تشبیه کرده که میشکفتد (تشبیه مؤکد) و معاینه را به میوه ای
تشبیه کرده که از درخت آشکار میشود. (مؤکد)

۵) مجاز: مجاز به معنی گذشتن و عبور کردن و در اصطلاح فن بیان، کاربرد لفظ در غیر
معنی نخستین خود است، با قرینه ای که مانع از اراده معنی حقیقی شود. (کلیات مسائل
ادبی، طهماسبی، ص ۳۵) انواع مجاز از این قرار است:

۱) مجاز به علاقه ذکر محل و اراده حال

- «خواست آنچه از خاک‌بوسی این طایفه علیّه به او رسیده است، شمه‌ای از اسرار آن نویسد.» (رسائل کاسانی: گ ۱) خاک‌بوسی مجاز از تواضع و کرنش است، چون لازمه بوسیدن خاک، خم شدن است و این شکلی از تواضع را در شخص ایجاد میکند.

(۲) مجاز به علاقه ذکر جزء و اراده کل

- «او را مبعوث کرد بر احمر و اسود» (همان: ۳) احمر به معنی سرخ و در اینجا مجاز از سرخ‌پوست است و اسود، مجاز از سیاه‌پوست است و نیز در مجاز از مجاز، احمر و اسود، جمیع خلایق را منظور دارد.

(و) **استعاره:** استعاره، تشبیهی است که یکی از دو سوی آن ذکر نشود و به عبارت دیگر استعمال واژه‌ای در معنی مجازی آن است به واسطه همانندی و پیوند مشابهتی که با معنی حقیقی دارد. (معانی و بیان، تجلیل. ص ۶۰)

- «هژده هزار نوع آیین برای مشاهده جمال و جلال خود بیافرید.» (رسائل کاسانی: گ ۲) آیین استعاره از مظاهر حق - تعالی - در عوالم وجود است؛ اعم از مظاهر حسی و غیر حسی.

(ز) **کنایه:**

- «دست در دامن متابعت زنده دلان آگاه و برگزیدگان حضرت اله میزنند.» (همان: ۱۱) زنده دلان آگاه و برگزیدگان حضرت اله هر دو کنایه از مرشدان و صوفیان حقیقی می‌باشد. - «هیچ کس بر اهل خود، چنان طبیعت نکردی که حضرت رسول (ص) (همان: ۶) طبیعت کنایه از شوخی و ملاحبه است.

۷-۱-۲- آرایه‌های بدیعی در رسائل کاسانی

الف) جناس: جناس، یک‌سانی و هم‌سانی دو یا چند واژه در واجهای سازنده است اگر معنی متفاوتی داشته باشند. و دارای انواعی است که به بعضی از آنها در آثار کاسانی اشاره میشود:

(۱) جناس اشتقاق: این نوع جناس کلمات متجانس در مصوت بلند با یکدیگر فرق دارند که

این نوع جناس موسیقایی‌ترین نوع جناس است. (بدیع، کزازی، ص ۵۹).

- «چرا که مقصود همه یکیست مقصد یکیست.» (رسائل کاسانی: گ ۱۴)

- «ایشان مدّت مدید ایستاده میشنیده باشند.» (همان: ۱۹)

- «خلیفه گفته اند بر طبق مستخلف میباید که باشد.» (همان: ۴۱)

- «هر چه این طایفه میگویند ساقط کلفت تکالیف نه تکالیف.» (همان: ۵۴)

(۲) جناس شبه اشتقاق:

- «عالم علوی عالم حسن و جمال است.» (همان، ۲۰)

- «از این جهت صحبت شریف ایشان بهترین جمیع اعمال قلبی و قالبی است.» (همان: ۱۷۷)

(ب) **سجع**: سجع همان قافیه در نظم است که و سجعهای آیات قرآن را فاصله گویند. و بر سه نوع است:

(۱) اگر سجعها در وزن و حرف و روی یکی باشند، سجع متوازی هستند.

(۲) اگر سجعها در وزن یکی باشند و در روی مختلف، سجع متوازن گویند.

(۳) اگر سجعها در وزن مختلف و در حرف روی یکی باشند، سجع مطرف گویند. (جواهر البلاغه، هاشمی، ۱۳۸۱: ۳۳۸-۳۳۷؛ شرح مختصر المعانی، تفتازانی، ص ۳۹۴؛ المدرس الافضل، مدرس افغانی، ج ۷: ص ۱۹۳؛ اسرار البلاغه، جرجانی، ۱۳۶۱؛ سبک شناسی، بهار، ج ۲: صص ۲۴۴-۲۲۹).

«متابعت شریعت و سنت و مجانبیت بدعت و ضلالت.» (رسائل کاسانی: گ ۱۱) «اصحاب ریاضات و ارباب مجاهدات.» (همان: ۱۳) «فتور اعمال و قصور احوال.» (همان) «رفع آن عارضه و دفع آن حادثه.» (همان)

(ج) **واج آرایی**: تکرار یک یا چند واج صامت یا مصوّت در شعر یا در نثر است، که در کلمه‌های یک مصراع یا بیت به گونه‌ای که آفریننده موسیقی درونی باشند و بر تأثیر شعر بیفزایند. (فنون بلاغت، همایی، ص ۷۶)

- «صفات ذمیمه از ساحت سینه رخت بسته طهارت باطن حاصل آید.» (رسائل کاسانی: گ ۱۲) تکرار سین.

- «سیر دوست سیر الی الله است و سیر فی الله هرچه سیر الی الله است تا اینجاست.» (همان: ۵۵) تکرار سین.

- «چون پنبه وسواس از گوش کشیدند آواز آشنا به گوش جان ایشان رسید.» (همان: ۱۵) تکرار شین.

- «شورشی در جانش پیدا میشود لاجرم شوریدن آغاز میکنند.» (همان: ۱۹) تکرار شین.

(د) **تلمیح**: در لغت یعنی: به گوشه چشم اشاره کردن و از جمله صنایع معنوی بدیع است که در آن، نویسنده یا گوینده، در ضمن نوشتار یا گفتار خویش، به آیه، حدیث، داستان، یا مثل معروفی اشاره داشته باشد. (فنون بلاغت، همایی، ص ۳۲۸)

- «گفته‌اند راه به حضرت حق - سبحانه و تعالی - به عدد هر نفسی است.» (رسائل کاسانی: گ ۳)؛ اشاره دارد به حدیث «الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ» (شرح فصوص الحکم، جندی، ص ۴۴۰)؛ تلمیح از نوع روایتهای صوفیانه است که در متون تصوف و عرفان آمده است.

- «حق - سبحانه و تعالی - کالبد آدم را چهل صباح به ید قدرت خود راست ساخت.» (رسائل کاسانی: گ ۱۳)؛ اشاره دارد به حدیث «خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدَيَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً» (عوالی اللثالی، أحسانی، ج ۴: ص ۹۹)؛ تلمیح از نوع تلمیح به حدیث قدسی است.

۷-۲- ویژگیهای زبانی و دستوری رسائل کاسانی

الف) تبدیل واج «ب» به «و» : تبدیل واج «ب» به «و» از ویژگیهای سبکی رسائل کاشانی است. دلیل تبدیل این دو واج به یکدیگر، قریب‌المخرج بودن آنهاست. هر دو از یک مخرج ادا میشوند: «هیچ یک از آنها زیادتی میل از آن حضرت ورنه دیگر نمی‌دیده‌اند.» (رسائل کاسانی: گ ۲)

ب) «با» به معنی «ب» : «از هر جنس ... مناسب آن یا وی کرامت فرمود.» (همان: ۷)
ج) استعمال «مر» در معنی «برای» : «شنودن آوازه‌های خوش موزون مر دوستان حق را.» (همان: ۱۳)

د) جمع بستن اسم جمع: «فناء اتم، خاصه محمد - رسول الله - راست - صلی الله علیه و سلم - و امتان او را به قدر متابعت او نیز از این مرتبه عالی که فناء اتم است، دست زیاده. (همان: ۵) امت خودش اسم جمع است. کاسانی این اسم جمع را دوباره با الف و نون جمع بسته است (=امتان)

ه) جمع بستن ضمائر با «ان»:

۱) مایان در جمع ضمیر «ما» (ماها): «رسول الله بگویند از مایان کدام را دوست‌تر میدارید.» (همان: ۳) ما ضمیر جمع است و در این جا حالت جمع الجمع یافته و نوعی ویژگی سبکی است، ظاهراً این امر به جهت مبالغه در تعظیم از ناحیه زنان رسول الله بوده است.
 ۲) شمایان در جمع ضمیر «شما» (شماها): «آن حضرت گفته‌اند فردا جواب شمایان بگویم.» (همان) شما ضمیر جمع است و در این جا حالت جمع الجمع یافته و نوعی ویژگی سبکی است، ظاهراً این امر به جهت مبالغه در تعظیم از ناحیه رسول الله نسبت به زنان خویش آمده است.

و استعمال ضمیر ذی روح برای غیر ذی روح: «و از هر جنس تخمی و آلاتی و اسبابی و آب زمینی و مناسب آن با وی کرامت فرمود.» (همان: ۹)

۷-۳- ویژگیهای فکری رسائل کاسانی

بعضی از رسائل کاسانی، مشتمل بر اصطلاحات، تعابیر و مسائل خاص عرفان نظری و عملی طریقت نقشبندیه و بر مشرب ابن عربی هستند که از آن جمله می‌توان به: رساله‌های آداب السالکین، آداب الصدیقین، رساله بطیخیه، رساله ذکر، رساله سماعیه، رساله در فقر حقیقی، رساله مرشد السالکین، رساله واقعه الحقایق، رساله وجودیه، اشاره کرد. مبانی این رساله‌ها در مقایسه با آثار جامی از پیروان طریقه نقشبندیه و شارح اندیشه‌های ابن عربی در مبانی نظری بسیار ضعیف و سطحی است! اما در مبانی عملی و دستورات سلوکی و جنبه‌های ارشاد طریقتی جاذب اهمیت و درخور توجه‌اند.

آداب السالکین کاسانی در باره نفس، نفس حیوانی و انسانی و خودشناسی، مسائل عرفانی و سیر و سلوک بحث میکند. در رساله آداب الصدیقین، وی به جایگاه ادب و اهمیت مقام پیر و به بیان امتحانات پیران ملامتی از مریدان خود می‌پردازد. در بطیخیه، کاسانی ابتدا خواننده را تشویق به یافتن مربی می‌کند تا روش سلوکی خود را بیان کند، سپس به زمین تخم افشانی و شرایطی که زمین بهره بدهد به صورت تمثیل می‌پردازد و سپس رساله به صورت «اصطلاحات صوفیان» در می‌آید. در رساله چهار کلمه، وی به شرح و بیان چهار رکن طریقت نقشبندیه یعنی: «هوش در دم»، «نظر بر قدم»، «سفر در وطن» و «خلوت در انجمن» می‌پردازد. و انصافاً در این زمینه اگرچه در پی بیان نظر بهاء الدین نقشبند و عبید الله احرار و بزرگان دیگر نقشبندیه است، اما مطالب و مبانی او در تبیین این اصطلاحات از جامعیت بیشتری نسبت به مطالب خواجه محمد پارسا در «قدسیه» و «مقامات نقشبند» و کاشفی در «رشحات عین الحیات» و «اصول نقشبندیه» و بخاری در «انیس الطالبین و عده السالکین» و عبد المجید خانی در «الحدائق الوردیه» و سنهوتی در «الانوار القدسیه» و محمد امین کردی در «المواهب السرمديه» برخوردار است. در رساله ذکر، وی به مراتب ذکر و ذاکر، شرایط ذکر و نتیجه آن و داستانهایی در خصوص بزرگان می‌پردازد. در این رساله، کاسانی بر ذکر لا اله الا الله تأکید بسیار می‌ورزد و آن را به عنوان ذکر سلوکی برای طالبان راه سلوک، معرفی مینماید. کاسانی در رساله سماعیه، دو فایده برای سماع بر می‌شمرد: اول آن که ملامت و قبضی که در دلها و احوال سالکان طریقی از کثرت معاملات روی میدهد، با استماع اصوات طیبیه و اشعار مشوقه از ایشان مرتفع میشود. فایده دوم: آن که حجابهایی که

در پی استیلای صفات نفس بر سالک ظاهر میشود، مرتفع میگردد. اگر چه دیگران نیز در باره سماع سخن گفته‌اند، اما رساله سماعیه کاسانی در نوع خود درخور توجه است و از کتابهایی چون «کتاب السماع» سلمی و رساله «سر السماع» علاء الدوله سمنانی جامعتر و با اهمیتتر است چرا که آنها به طور عام بدین مسأله پرداخته‌اند اما کاسانی آن را از منظر نقشبندیه و به عنوان یکی از اقطاب این سلسله مورد بحث قرار داده است! وی رساله سواد الوجه را با شرح حدیث «الْفَقْرُ سَوَادُ الْوَجْهِ فِي الدَّارَيْنِ» آغاز میکند و از تعلق و وابسته شدن انسان و فقری که پیامدش بی‌نیازی باشد، سخن میگوید.

۸- نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت نتیجه میگیریم که:

- (۱) سید جلال‌الدین، احمد بن جمال‌الدین بن برهان‌الدین خواجه، معروف به «خواجگی احمد» «خواجگی کاسانی» و ملقب به «مخدوم اعظم» از صوفیان بزرگ طریقهٔ احراریهٔ نقشبندیه است که در کاسان از توابع فرغانه ترکستان و ماوراءالنهر به دنیا آمده است.
- (۲) وی برجسته‌ترین خلیفه عبیدالله احرار است و در طریقه نقشبندیهٔ احراریه، دارای مسند و قطبیت و مقام شیخوخیت و تلقین ذکر بوده است.
- (۳) خواجگی کاسانی از شاخص‌ترین نویسندگان طریقهٔ نقشبندیه است که بالغ بر ۳۰ عنوان رسالهٔ تعلیمی در مبانی نظری و عملی طریقهٔ احراریهٔ نقشبندیه تألیف و تصنیف کرده‌اند.
- (۴) نثر کاسانی در قیاس با نثر عرفانی معاصرانش، امتیازاتی دارد که از آن جمله می‌توان به اشارات عرفانی و تأویلات قرآنی اشاره کرد. اشارات و تأویلات کاسانی، حول محور آیات قرآن و احادیث نبوی میگردد. بعضی از تأویلات، پیش از کاسانی در متون نثر عرفانی هم دیده میشود و بعضی هم در منظومهٔ فکری عرفانی کاسانی جای میگیرد.
- (۵) امتیاز رسائل کاسانی بر رسائل هم‌عصران خود، بر موجز، رسا و روان بودن معانی و مفاهیم آنهاست. اما از عیوب نثر رسائل کاسانی، اشارهٔ بیش از حد به اشعار و آیات و احادیث است که از این میان استعمال بیش از حد اشعار فارسی در بعضی از رسائل در قالب غزل و قصیده و مثنوی از شعرای متقدم، رشتهٔ کلام را قطع میکند و نوعی از ملال و دلزدگی را برای مخاطب و خواننده به وجود می‌آورد.
- (۶) در رسائل کاسانی، لغات و ترکیبات عربی به وفور دیده میشود و این از جمله ویژگیهای کتب نثر عرفانی است.

۷) کاسانی بیشتر احادیثی را که در متون نثر صوفیان پیش از خود بوده، در رسائل خود انعکاس داده است و در خیلی از موارد، در متن احادیث و نسبت آنها تصرف کرده و از ذکر احادیث جعلی و بدون سند و مأخذ خودداری نمیکرده است.

۸) کاسانی در رساله‌های عرفانی خویش، بعضاً به شرح مسائل طبی و وظائف الاعضاء انسان پرداخته است که جای آن در کتب پزشکی است، نه عرفانی و این امر را می‌توان از مقوله اطناب ممل به شمار آورد.

۹) در آثار کاسانی صور بلاغی اعم از تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز فروان است که بیشترین بسامد را تشبیه و در تشبیهات، بیشترین بسامد را تشبیهات مرکب به مرکب دارند. البته در متون عرفانی فارسی متقدم و متأخر بر او معمولاً زبان مجاز و استعاره، کاربرد بیشتری داشته است.

۱۰) در حوزه بدیع و آرایه‌ها زبانی، رسائل کاسانی خالی از تفننهای بدیعی نیست و بیشترین صنایع و آرایه‌ها را در آنها می‌توان یافت.

منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- احسن التقاسیم فی معرفۃ الاقالیم، مقدسی، أبو عبد الله محمد، الطبعة الثالثة، القاهرة: مكتبة مدبولی، ۱۴۱۱ ه. ق.
- ۳- احمد کاسانی، جلالی مقدم، مسعود، تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۴- اسرار البلاغة، جرجانی، عبدالقاهر، ترجمه جلیل تجلیل، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۵- الايضاح فی علوم البلاغة، خطیب قزوینی، محمد، به کوشش بهیج غزوی، بیروت: ۱۹۸۸ م.
- ۶- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر، تحقیق: الربانی الشیرازی، الطبعة الثالثة، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۷- بدايع الافكار فی صنایع الاشعار، کاشفی، حسین، به کوشش جلال‌الدین کزازی، تهران: ۱۳۶۹ ه. ش.
- ۸- بدیع، کزازی، جلال‌الدین، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۱ ه. ش.

- ۹- البلدان، یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، الطبعة الاولى، بيروت: دار الكتب العلمية، ۱۴۲۲ هـ. ق.
- ۱۰- تاریخ نظم و نثر در ایران، نفیسی، سعید، تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴ هـ. ش.
- ۱۱- التبیان فی البیان، طیبی، حسین، به کوشش توفیق فیل و عبداللطیف لطف‌الله، کویت، ۱۹۸۶ م.
- ۱۲- تصوف در آسیای مرکزی، پاکتچی، احمد، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۴ هـ. ش.
- ۱۳- تلخیص المفتاح، خطیب قزوینی، قم: ۱۳۶۳ هـ. ش.
- ۱۴- ثمرات القدس، لعلی بدخشی، لعل بیگ، به کوشش کمال حاج سیدجوادی، تهران: ۱۳۷۶ هـ. ش.
- ۱۵- جامع کرامات الاولیاء، نبهانی، یوسف، قاهره: ۱۳۲۹ هـ. ق.
- ۱۶- جواهر البلاغة، هاشمی، احمد، الطبعة الخامسة، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ هـ. ش.
- ۱۷- الحدائق الوردیة، خانی خالدی نقشبندی، عبدالمجید، دمشق: ۱۳۰۶ هـ. ق.
- ۱۸- الخصال، شیخ صدوق، تحقیق: علی أكبر الغفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۳ هـ. ق.
- ۱۹- دانشنامه ادب فارسی، انوشه، حسن، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ هـ. ش.
- ۲۰- دنباله جست‌وجو، زرین کوب، عبدالحسین، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹ هـ. ش.
- ۲۱- رسائل کاسانی، خواجگی کاسانی، نسخه‌های خطی، استانبول، مجموعه شماره (۴۶۴۹)؛ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، مجموعه شماره (۱۲۵۳۷)؛ کتابخانه مجلس، مجموعه‌های شماره (۳۳۵ فیروز) و (۱۰۵۶۰) و (۲۰۸۷۹).
- ۲۲- رشحات عین الحیاة، کاشفی، حسین بن علی، به کوشش علی‌اصغر معینیان، چاپ اول، تهران: ۱۳۵۶ هـ. ش.
- ۲۳- سبک‌شناسی، بهار، محمد تقی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۸۶ هـ. ش.
- ۲۴- سمریه، سمرقندی، ابوطاهر، به کوشش ایرج افشار، تهران: ۱۳۴۳ هـ. ش.
- ۲۵- سنن الدارمی، دارمی، عبد الله بن الرحمن، دمشق: مطبعة الاعتدال، ۱۳۴۹ هـ. ق.
- ۲۶- شرح فصوص الحکم، جندی، مؤید الدین، تحقیق: الاشتیانی، الطبعة الثانية، قم: بوستان کتاب، ۱۴۲۳ هـ. ق.

- ۲۷- شرح مختصر المعانی، تفتازانی، مسعود بن عمر، خطیب قزوینی، محمد بن عبد الرحمن، سکاکی، یوسف بن ابی بکر، الطبعة الثالثة، قم: دار الفکر، ۱۳۷۶ ه. ش.
- ۲۸- صور خیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی، محمد رضا، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۶ ه. ش.
- ۲۹- صورة الارض، ابن حوقل، ابو القاسم محمد بن حوقل النصیبی، بیروت: دار صادر، افسر لیدن، ۱۹۳۸ م.
- ۳۰- طراز سخن در معانی و بیان، صادقیان، محمد علی، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۱ ه. ش.
- ۳۱- الطراز، علوی یمنی، یحیی، به کوشش محمد عبدالسلام شاهین، بیروت: ۱۹۹۵ م.
- ۳۲- عوالی اللثالی، أحسانی، ابن أبی جمهور، تحقیق: مجتبی العراقی، الطبعة الأولى، قم: سید الشهداء، ۱۴۰۳ ه. ق.
- ۳۳- عیون الحکم و المواعظ، لیثی واسطی، محقق: حسنی بیرجندی، حسین، چاپ اول، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ه. ش.
- ۳۴- غرر الحکم و درر الکلم، تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، محقق: رجائی، سید مهدی، چاپ دوم، قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ه. ق.
- ۳۵- فتوح البلدان، بلاذری، أبو الحسن أحمد بن یحیی، بیروت: دار و مکتبة الهلال، ۱۹۸۸ م.
- ۳۶- الفروق اللغویه، عسکری، ابوهلال، قم: ۱۳۵۳ ه. ش.
- ۳۷- فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال الدین، چاپ سوم، تهران: انتشارات توس، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۳۸- فهرست نسخه های خطی پاکستان، منزوی، احمد، اسلام آباد، جلد ۴، ۱۳۶۴ ه. ش.
- ۳۹- فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای ملی، حائری، عبدالحسین، ج ۲۱، بی تا.
- ۴۰- فهرستواره کتاب های فارسی، منزوی، احمد، تهران: بنیاد دائره المعارف اسلامی، ۱۳۸۲ ه. ش.
- ۴۱- قدسیه، پارسا، خواجه محمد، به کوشش ملک محمد اقبال، راولپندی: ۱۳۵۴ ه. ش.
- ۴۲- کتاب الصناعتین، عسکری، ابوهلال، به کوشش مفید قمیحه، بیروت: ۱۹۸۴ م.
- ۴۳- کشف الخفاء، عجلونی، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ه. ق.
- ۴۴- کلیات مسائل ادبی، طهماسبی، فرهاد، تهران: انتشارات سنجش، ۱۳۸۴ ه. ش.
- ۴۵- گل و نوروز، پژوهنده، لیلا، مقالات و بررسی ها، دفتر ۶۳، تابستان ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۴۶- المدرس الأفضل فیما یرمز و یشار إلیه فی المطول، مدرّس افغانی، قم: دار الکتاب، ۱۳۶۲ ه. ش.

- ۴۷- مذكر احباب، نثاری، حسن، به كوشش نجیب مایل هروی، تهران: ۱۳۷۷ ه. ش.
- ۴۸- مرآة الاطلاع على اسماء الامكنة و البقاع، بغدادی، صفی الدین عبد المؤمن بن عبد الحق، الطبعة الأولى، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۴۹- مسالك الممالك، اصطخری، ابو اسحاق ابراهیم بن محمد، لیڈن، افست بیروت: دار صادر، ۲۰۰۴ م.
- ۵۰- معانی و بیان، تجلیل، جلیل، تهران: مركز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵ ه. ش.
- ۵۱- معجم البلدان، حموی بغدادی، یاقوت، الطبعة الثانية، بیروت: دار صادر، ۱۹۹۵ م.
- ۵۲- المعجم فی معاییر اشعار العجم، شمس قیس رازی، به كوشش محمد قزوینی و مدرس رضوی، تهران: ۱۳۲۷ ه. ق.
- ۵۳- مفتاح العلوم، سكاکی، یوسف ابن یعقوب بن ابی بكر، قم: بی تا؛ بیروت: ۱۹۸۳ م.
- ۵۴- نخبة الدهر فی عجائب البر و البحر، انصاری دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲ ه. ش.
- ۵۵- نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق، شریف الادریسی، ابو عبد الله محمد بن محمد بن عبد الله بن ادريس الحمودی، الطبعة الأولى، بیروت: عالم الكتب، ۱۴۰۹ ه. ق.
- ۵۶- نسمة القدس من حدائق الانس، کشمی، محمدهاشم، تصحیح منیر جهان ملک، ۱۳۷۴ ه. ش.
- ۵۷- نفحات الانس، جامی، عبدالرحمان، به كوشش محمود عابدی، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۰ ه. ش.
- ۵۸- نهایه الايجاز، رازی، فخرالدین، به كوشش بكری امین، بیروت: ۱۹۸۵ م.
- ۵۹- الوافی، فیض كاشانی، محمد محسن، تحقیق و تصحیح: ضیاء الدین الحسینی الأصفهانی، الطبعة الأولى، اصفهان: مكتبة الامام أمير المؤمنين علی (ع) العامة، ۱۴۰۶ ه. ق.
- ۶۰- هنجارگفتار، تقوی، نصراله، اصفهان: فرهنگ سراي اصفهان، ۱۳۶۳ ه. ش.
- ۶۱- «The Naqshbandiyya in Timurid India: The Central Asian Legacy» Buehler, A.F., Journal of Islamic Studies, Oxford, ۱۹۹۶.
- ۶۲- International Dictionary of Historic , places : Asia And Oceania.
- ۶۳- A History of Ineer Asia. Svat.soucek. Cambridge Universitypress.